

بردار کردن عاطفه

به انگیزه ششمین سال اعدام عاطفه سهاله (رجبی)

م.م (آینده)

ayandeh.3000@yahoo.com

مردم در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی؛ زندانیانی به شمار می روند که زنجیرهای آشکار و نهان بسیاری، آنان را دربند نموده است. این قید و بندها در مورد زنان بسیار بیشتر است و آنان در وضعیت سخت تری به سر می برند. سازوکار جامعه نیز شرایط نابرابری را به زنان تحمیل می کند. به نوشته یک پژوهشگر (خانم شهلا اعزازی): "در اکثر جوامع (از جمله ایران)، سازمان های گوناگون از مدرسه گرفته تا مکان شغلی، به نوعی سازمان یافته اند که با جهان بینی نابرابری جنسیتی بیشتر از برابری جنسی سنخیت دارند" ¹

متأسفانه قوانین ایران که می باید بیانگر تساوی حقوق زن و مرد و پشتوانه فعالیت های اجرایی مربوطه باشد، خود، عدم برابری زنان و مردان را منعکس می کند. در این خصوص، خانم "مهرانگیز کار" به درستی نوشته: "قانون اساسی جمهوری اسلامی، زن را موجودی وابسته و غیرمستقل می شناسد و او را تحت حمایت مرد و دولت قرار داده است. قانون اساسی در نگرش کلی خود تابع دیدگاه سنتی است و در تبیین حقوق زن با ابهام گام برداشته است. در نتیجه قوانین موضوعه که ملهم از قانون اساسی است، نمی تواند برابری حقوق زن و مرد را بازتاب دهد." ²

عملکرد حکومت جمهوری اسلامی، جامعه را از نظر امنیت، اقتصاد، فرهنگ و... دچار آسیب های فراوان و شدیدی نموده است. یکی از عوارض اوضاع نابسامان حاکم، که دامنگیر جامعه به ویژه زنان شده، پدیده شوم روسپی گری است.

پدیده روسپی گری در جمهوری اسلامی: جامعه شناسان علت روسپی گری را فقر و گرسنگی، تربیت نادرست خانوادگی، بیکاری، شرایط اقتصادی، مهاجرت، بی سوادی، اعتیاد، طلاق و تنش های خانوادگی و انحراف والدین می دانند. روان شناسان نیز علت فحشا

را تنها محدود به مسایل اجتماعی نمی دانند و علل روانی مثل تنوع طلبی ، ضعف هویت اخلاقی ، اختلال هویتی و هیجان طلبی را در اقدام به آن دخیل می شمارند.³

حکومت جمهوری اسلامی نقش بسیار مهم و غیر قابل انکاری در بروز عوامل روسپی گری (همچون فقر ، گرسنگی ، بیکاری و....) در کشور ، داشته و دارد . جلوگیری از پیدایش عوامل به وجود آورنده روسپی گری ، از وظایف بدیهی هر دولت و حکومتی است . خانم "سهیلا صادقی" استاد دانشگاه تهران و از اعضای کارگروه "فرار از خانه" دفتر امور اجتماعی وزارت کشور در این خصوص گفته است: "امروز خانواده ها درگیر مسایلی هستند که این مسایل را خودشان برای خود نیافریده اند . برای مثال بیکاری پدر خانواده و پایین بودن سطح سواد را در جامعه ای که نرخ بیکاری یک درصد است می توان یک مشکل شخصی دانست اما وقتی نرخ بیکاری در کشور به 12 تا 14 درصد می رسد ، این دیگر یک مشکل شخصی نیست . بنابراین بسیاری از مسایلی که در خانواده وجود دارد ، به بی کفایتی خانواده بر نمی گردد...."⁴

فقر و فحشا: فقر می تواند زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد . در بستر فقر ، شرایط مناسب بروز انحرافات اجتماعی فراهم است . فقر بستر مناسب گذر از معیارهای اجتماعی را برای افراد مهیاتر می کند . اندیشمندان اجتماعی متذکر شده اند که باید کوشش هایمان را در راه اصلاح روش های نادرست و غیر عادلانه توزیع درآمدها و غلبه بر نوسانات اقتصادی متمرکز سازیم . نه فقط بدین جهت که توزیع نادرست است ، بلکه به این علت که این نحوه توزیع ، منشا فساد ، بزهکاری و انحرافات اجتماعی در تمام دنیا است . از دید این اندیشمندان ، جرم و فساد اخلاقی ، نتیجه فقر است که زاینده امپریالیسم (یعنی توسعه طلبی ناشی از سرمایه داری) است . یعنی نظامی که ، " تملک وسایل تولید توسط گروهی خاص " و " توزیع نادرست ثروت " از ویژگی های آن است.⁵

گسترش و کاهش سن فحشا: دکتر "امان الله قرایی مقدم" جامعه شناس و استاد دانشگاه در مورد فحشا در ایران چنین گفته است: " پدیده فحشا در ایران در حال گسترش است . مطالعات نشان می دهد که سن فحشا به 10 سال کاهش یافته و دختران جوان که به تازگی وارد این کار شده اند ، بیشترین تعداد آن ها را تشکیل می دهند . مهمترین عامل بروز فحشاء ، فقر و ناتوانی زنان در تامین مایحتاج اولیه زندگی شان است ... وجود زنان خیابانی معلول یک عامل نیست ... یک نهاد در کشور وجود ندارد به صورت اصولی به بررسی مشکلات زنان خیابانی بپردازد . در نتیجه هیچ آمار قابل استنادی برای حل این مشکل وجود ندارد . در حالی که پدیده زنان خیابانی یکی از آسیب های مهم اجتماعی است ، اما آمار رسمی برای آن وجود ندارد... به دلیل نبود آمار دقیق بیشتر طرح های ارائه شده از سوی سازمان بهزیستی

نیز درباره سامان دهی زنان خیابانی به دلیل عدم پذیرش جامعه و مسئولان ، باشکست روبرو شده است ... برای جلوگیری از گسترش فحشا باید شغل تولید کنیم . هیچ زنی راضی نیست تن به خود فروشی دهد، مگر این که مجبور باشد ."⁶

اما ، در عین این که بابت تر شدن شرایط اقتصادی جامعه ، افراد بیشتری ، ناخواسته در معرض آسیب های اجتماعی و از جمله فحشا قرار می گیرند ، تمایل غالب در حکومت (که خود به وجود آورنده شرایط ناگوار مزبور است) برخورد قلمرو مابانه و سرکوب و حشیانه زنان روسپی است . از جمله ، "احمدی مقدم " فرمانده نیروی انتظامی رژیم ، پیشتر در انتقاد از عملکرد برخی نشریات در نقد طرح امنیت اجتماعی گفته بود : " روزنامه هایی که در دفاع از بدحجاب ها قلم فرسایی کرده و مقاله نوشتند ، باید خجالت بکشند . آن ها می گفتند باید با مجرم طبق قانون برخورد شود... آن ها که فکر می کردند می توانند شکافی ایجاد کنند ، خودشان متضرر شدند ، همان ها که زنان خیابانی را دخترکان معصوم عنوان کردند."⁷

عملکرد حکومت در امور تربیتی : دخترانی که از ناچاری به تن فروشی روی آورده و می آورند ، در زمان حکومت جمهوری اسلامی به دنیا آمده و رشد کرده اند . جدای از عامل اصلی و مهم "فقر" ، چرا باین که دستگاه های تبلیغاتی رژیم بیش از سی سال است - با موادی که خود تهیه کرده اند - اقدام به بمباران بی امان ذهن کودکان کرده و می کنند ، بخشی از آن ها (که تعدادشان کم هم نیست) به انحراف کشیده شده و می شوند؟ حاصل فعالیت حکومتی که ادعای اصلاح بشریت را دارد چیست ؟

خانم " سهیلا صادقی" استاد دانشگاه تهران می گوید : " در این سی سال ، هنجارهای متضادی به نوجوانان و جوانان ارایه شده و همین تعارض در هنجارها و تضعیف هنجارهای اجتماعی ، از عوامل بروز پدیده فرار [از خانه] است ، به طوری که پس از انقلاب یک سری هنجارها را از بین بردیم اما به جای آن هنجاری ایجاد نکردیم . از طرفی جوانان را به سوی یک سری اهدافی دعوت می کنیم اما هنوز ابزار مناسب و مشروع آن را در جامعه به درستی توزیع نکرده ایم ."⁴

نظام آموزش و پرورش که می بایستی فرزندان کشور را تربیت کند ، در رژیم جمهوری اسلامی دچار مسایل و مشکلات متعدد ، متنوع و بنیادی است و عملکرد این سیستم ، به نتیجه مطلوب نمی انجامد . به نوشته یکی از دست اندرکاران علوم تربیتی کشور : " مشاهده نظام اجتماعی ما ، علی الخصوص آموزش و پرورش ما ، سوالات زیادی را به ذهن متبادر می کند . از قبیل این که :

- وجود حقیقتی به نام فقر تردیدی جدی در ذهن نسبت به آموزش و پرورش ایجاد می کند (ما در کشوری غنی و دارای منابع فراوان زندگی می کنیم چرا فقر؟)
- چرا آموزش و پرورش نتوانسته است به عنوان نردبان تحرک اجتماعی باشد؟
- چرا نیازهای به حق افراد جامعه به خوبی برطرف نمی شود؟

....

باتوجه به درهم تنیدگی نهادهای مختلف اجتماعی و وابستگی هریک از اجزاء به کل ، اگر مشکل و مسئله ای در جامعه وجود داشته باشد ، باید آن را در کل اجتماع جستجو کرد . اگر مشکل و مسئله ای در آموزش و پرورش باشد ، باید آن را در پیوند با اقتصاد ، سیاست و مذهب جستجو کرد و بالعکس ، ریشه ی مشکلات اقتصادی ، سیاسی و مذهبی را باید در آموزش و پرورش جستجو کرد . (البته وقتی صحبت از آموزش و پرورش به صورت یک نهاد اجتماعی می شود ، منظور کل نظام آموزشی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی است .) "8

حکومت جمهوری اسلامی همواره از ارزش هایی که در بین برخی اقشار جامعه رایج بوده ، استفاده ابزاری نموده است . در برنامه هایی که می باید طی آن دانش آموزان برای مراحل آتی زندگی تربیت شوند ، سیاست های خود را لحاظ و تعقیب نموده است . کتبی که بنا بوده به مسایل به اصطلاح معنوی بپردازند ، آکنده از مهملائی است که برای شستشوی مغزی کودکان تدوین شده است . نتیجه این امر ، دلزدگی کودکان از آموزش های اجباری مزبور است . جمهوری اسلامی در راستای ترویج افکار گردانندگان خود ، از سال ها پیشتر اقدام به تاسیس معاونتی با عنوان پرورشی و امور تربیتی در آموزش و پرورش نمود که بعدها حذف و مجدداً در سال های اخیر برقرار شده است . اما این معاونت چه فعالیت هایی انجام داده و می دهد؟ یکی از کارشناسان مسایل آموزشی در مورد تشکیلات مزبور چنین می گوید : " معاونت پرورشی و تربیت بدنی از پشتوانه علمی و تربیتی لازم برخوردار نیست ... بانگاه کلی به معاونت پرورشی و تربیت بدنی از زمان احیا تا کنون ، به راحتی می توان بی برنامهگی رادر این معاونت دید ... ایجاد گروه های سرود و تواشیح ، برگزاری مسابقات قرآن و برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی دانش آموزان ، شرکت در راهپیمایی ها و مراسم مذهبی ، ارایه بیانیه و... برنامه هایی است که در دوره قبلی امور تربیتی هم وجود داشت و هم اکنون بدون هیچ خلاقیت و نوآوری در زمان احیا دنبال می شود...." "9 علاوه بر تمام مشکلات مزبور ، مشاهده دوگانگی در گفتار و رفتار مسئولین ، سبب بی اعتقادی کامل کودکان به تمامی بنیان های ارزشی و روی گردانی و گریز آنان از به اصطلاح تعالیم مربوطه شده است .

وضعیت سلامت روان در جامعه: اختلالات و بیماری های روانی که در تمام جوامع کمابیش وجود دارد، در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ، شیوع بسیار زیادی دارد و متأسفانه همچنان باروندی تند در حال گسترش است . آمارها و گزارش های وزارت بهداشت حاکی از آن است که 15 تا 20 میلیون نفر ایرانی (داخل کشور) ، دچار درجاتی از بیماری های روانی هستند . دکتر " احمد حاجبی " رییس اداره سلامت روان وزارت بهداشت رژیم (درسال 1388) گفت : " 21 درصد از افراد جامعه دچار اختلالات روانی هستند.... " 10

در برآوردی دیگر، "پرویز مظاهری " دبیر انجمن روانپزشکان ایران (درسال 1389) اظهارداشت : " طبق آمارهای موجود حدود 20 تا 23 درصد مردم مبتلا به یکی از انواع اختلالات روانی هستند... " 11 البته ممکن است در صورتی که آمار دقیقی از مبتلایان به بیماری های روانی فراهم گردد ، متأسفانه افزایشی در آمارهای اعلام شده مشاهده گردد. به گفته دکتر " علیرضا زالی " متخصص مغز و اعصاب : " ... هم اکنون آمار واقعی از تعداد مبتلایان به بیماری های روانی و کسانی که به درجاتی از این بیماری مبتلا هستند در کشور وجود ندارد. به علت این که برخورد با مبتلایان روانی به انزوای آن ها می انجامد ، افراد از ترس انگ اجتماعی ناشی از بیماری های روانی، بیماری خود را اعلام نمی کنند.... " 12

البته نسبت به وضعیت بیماران روانی توجه چندانی صورت نمی گیرد و اغلب آنها به حال خود رها شده اند . هنوز بیشتر بیماران روانی مزمن شناسایی نشده اند و اغلب بیماران شناسایی شده نیز تحت پوشش هیچ گونه خدمات دولتی قرار ندارند .

دکتر " ره نژاد " سرپرست ستاد سامان دهی بیماران روانی مزمن کشور (درسال 1387) گفت : " تاکنون 90 هزار بیمار روانی مزمن در سراسر کشور شناسایی شده اند . تنها 40 درصد معادل 35 هزار نفر از این افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند... براساس برآوردهای انجام شده ، پیش بینی می شود تعداد واقعی بیماران روانی مزمن در کشور حدود 200 هزار نفر باشد.... " 13

در خصوص عدم اهمیت بیماری و بیماران روانی نزد حکومت ، "حسین نحوی نژاد" رییس ستاد سازمان دهی بیماران روانی و مزمن سازمان بهزیستی (درسال 1388) چنین گفت : " متأسفانه در سیاست گذاری های اعمال شده به مقوله سلامت روان اهمیت زیادی داده نمی شود.... " 14 باربیماری های روانی از 11 درصد درسال 77 ، به 16 درصد درسال 82 رسیده است ... " دکتر " علیرضا زالی " نظام بهداشتی کشور و از جمله بخش سلامت روان را نیازمند بازنگری می داند : " بعداز سه دهه ، نظام بهداشتی کشور نیازمند بازنگری است که در این بازنگری باید بخش های سلامت روان نیز مورد توجه قرارگیرد . هم اکنون تخت کافی

برای بیماران روانی وجود ندارد...." 12 این در حالی است که وزارت بهداشت رژیم در اندیشه پایین آوردن جایگاه روان پزشکی در تشکیلات اداری است. دبیر انجمن روان پزشکیان ایران در اعتراض به این امر گفته است: "... شاهد تنزل جایگاه روان پزشکی در وزارت بهداشت هستیم. انجمن روان پزشکیان ایران از ابتدا مخالف این بود که دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت به حوزه مشاوره تنزل یابد، بلکه سعی داشته ایم آن را گسترش داده و حتی تبدیل به معاونت روان کنیم... وزیر بهداشت باتوجه به مشکلاتی که هم اکنون در حوزه بهداشت روان وجود دارد مانند کافی نبودن تخت های روان پزشکی و مدد کار و اعتبارات کم، باید توجه خود را افزایش دهد نه این که این حیطه را کوچکتر کند...." 11 یکی دیگر از مسایل و مشکلات این حوزه، بیمه بیماران روانی است. دکتر "سید احمد جلیلی" رییس انجمن روان پزشکیان ایران در این مورد چنین گفته است: "سازمان های بیمه گر برای بیماران روانی تاکنون بیمه خاصی را در نظر نگرفته اند و تعرفه های موجود با تعرفه های واقعی در این بخش فاصله زیادی دارد." 15

در کشوری با چنین شرایط اسفناک ورنج آور، با بستر هایی که توسط حکومت برای انحراف و به بیراهه رفتن بسیار هموار شده، زندگی های بسیاری با شرایطی دردناک خاتمه یافتند. افرادی که جان خود را از دست دادند، خود قربانیان شرایطی ناخواسته و تحمیلی بودند. اینان در صورت ارتکاب جرایمی که بدان متهم شدند در سرزمینی با قوانینی انسانی و زمینی، مجازات های اسلامی و ضد انسانی حکومت جمهوری اسلامی را متحمل نمی شدند. "عاطفه سهاله" مشهور به "عاطفه رجبی" از جمله قربانیان یاد شده بود که اسیر شهوت رانی، توطئه چینی، پرونده سازی و درنده خویی مقامات و دست اندرکاران حکومت اسلامی گردید. این نوشتار را از آن رو آورده ام که به یاد آریم در کشور مان چه بسیار انسان هایی که ناسزاوارانه از "حق" زیستن محروم شدند. آن چه پیش رو دارید، گزارشی کوتاه از یادداشت های بسیار است. همچنان که سرنوشت عاطفه، مشتی از خروار. عاطفه که ————— بود؟ خانم "آسیه امینی" (فعال حقوق زنان) در نوشته ای کوتاه و گویا، تصویری از عاطفه به دست می دهد: "آخرین روز شهریور 1366، بی بی راعی... فرزندی به زمین می گذارد که نامش را عاطفه می گذارند... عاطفه 5 ساله بود که پدر و مادرش از هم جدا شدند. بی بی راعی ازدواج کرد و چند ماه بعد در تصادف مرد. خانواده عاطفه، قبل از سال 70 و قبل از جدایی پدر و مادر، از مازندران به مشهد رفتند و آن جا زندگی کردند. یک خواهر دارد که فاطمه است و یک برادر که محمد علی. جواد هم خیلی سال پیش توی رودخانه غرق شد. عاطفه و خواهرش، وقتی پدرشان لباس های کهنه را [برای فروش] به مازندران می برد، مشهد پیش زنی افغانی که همسایه شان بود می ماندند. (البته بعداً" محمد علی، برادر بزرگ عاطفه خبر از دو مرکز بهزیستی در مشهد می دهد که عاطفه مدتی در آن ها به سر برده بود). بعد آمدند نکا پیش پدر بزرگ و مادر بزرگ [به همین دلیل عاطفه به نام خانوادگی پدر بزرگش که "رجبی" بود شهرت یافت] که تنها نباشند...

فقیر بودند ، خیلی فقیر. کسی هم حریف عاطفه نبود. همه می گفتند عقل حسابی ندارد... اما درعین حال مهربان بود. پدر بزرگ و مادر بزرگش را او جمع می کرد...." 16

سرانجام عاطفه: " روز یک شنبه ، 25 مرداد 1383 ، یک دختر نوجوان 16 ساله به نام آتفه رجبی ... به جرم انجام اعمال منافی عفت در شهرستان نکا در استان مازندران ، در خیابان 30 متری واقع در خیابان راه آهن اعدام شد. این حکم بنا به درخواست شخص رییس دادگستری نکا و تایید دیوان عالی کشور و موافقت رییس قوه قضاییه انجام گرفت . این اعدام در حالی صورت گرفت که سن این دختر نوجوان در شناسنامه 16 سال می باشد اما دادگستری شهرستان نکا سن وی را به دروغ 22 سال اعلام کرد . این دختر نوجوان 3 ماه پیش در هنگام حضور در دادگاه به رییس دادگاه نکا ، حاجی رضایی ، که رییس دادگستری نکا نیز می باشد ، به خاطر خشم فراوان چند ناسزا گفت و گفته می شود وی در دادگاه به عنوان اعتراض بخشی از لباس هایش را نیز درآورد . این حرکت دختر نوجوان خشم رییس دادگستری را برانگیخت و شخصا" پرونده وی را پی گیری کرد و در مدتی کمتر از سه ماه ، تایید حکم اعدام آتفه را از دیوان عالی کشور گرفت . خشم و کینه حاجی رضایی رییس دادگاه آن چنان شدید بود که خود طناب را برگردن این دختر 16 ساله انداخت و جرثقیل با اشاره دست وی طناب را بالا کشید ... در همین حال ، جسد این دختر همان روز به خاک سپرده شد اما در همان شب توسط افراد ناشناسی جسد از داخل قبر بیرون آورده و رپوده شد...." 17

سایت " پیک ایران " در خبری دیگر ، از واقعیاتی دیگر که منجر به اعدام عاطفه شد ، پرده برداشت : " ... تعدادی از پرسنل نیروی انتظامی با توجه به دانستن شرایط زندگی وی [عاطفه] از این دختر 16 ساله به صورت مکرر سوء استفاده جنسی می نموده اند ... دو افسر نیروی انتظامی دایره مفاسد اجتماعی شهرستان نکا به نام های سروان مولایی و سروان ذبیهی از اصلی ترین کسانی بوده اند که به این اعمال خلاف اخلاق مبادرت می نموده اند ... در همین حال امضای این 2 افسر نیروی انتظامی نیز زیر برگه شهادت بر علیه عاطفه به عنوان شاهد فاسد بودن عاطفه وجود دارد و آن ها در اقدامی دیگر (قبل از اعدام) در خیابان راه آهن از تعدادی از عوامل خود و مردم بی خبر استشهاد نامه محلی مبنی بر این که این دختر عامل فساد در این منطقه است تهیه نمودند. در یک اقدام دیگر ، شایعه این که عاطفه به ویروس HIV و به بیماری ایدز مبتلا است . به راه انداخته بودند. در حالی که در نکا ، یک درمانگاه استاندارد برای تشخیص مسئله [ایدز] وجود ندارد. جسد عاطفه در همان شب [دفن] بعد از نبش قبر توسط عوامل دادگاه بدون اطلاع خانواده وی به پزشکی قانونی تهران منتقل شد و زمانی خبر آن تایید شد که عمه عاطفه به خاطر این مسئله شکایت کرد . اما هنوز خبری از دفن مجدد جسد و محل دفن آن اعلام نشده است . در پی شکایت عمه عاطفه ، پدر وی نیز طی ارسال شکایت نامه ای به دیوان عالی کشور بر علیه رییس دادگاه نکا ، حاجی رضایی

ونحوه رسیدگی به پرونده دخترش و ظلمی که بروی روا داشته ، شکایت کرده است . وی همچنین نامه دیگری نیز به یکی از سازمان های مدافع حقوق بشر ارسال نموده و از آن سازمان خواستار پی گیری پرونده دخترش و طلب کمک شده است ... نکته جالب توجه این است که درحالی که مطبوعات وابسته به حاکمیت (روزنامه های اعتماد و ایران) در گزارش های خود با استناد به گفته های رییس دادگاه سن عاطفه را 22 سال اعلام کرده اند ولی تاکنون حتی یک بار صفحه اول شناسنامه وی را منتشر نکرده اند . اما پدر عاطفه در هنگام ارسال شکایت نامه و نامه اعتراضی ، فتوکپی صفحه اول شناسنامه دخترش را که گواهی بر 16 ساله بودن وی می دهد را نیز به ضمیمه آن ارسال نموده است و بر عدم دسترسی دخترش به وکیل نیز تاکید نموده است" 18

همچنین عمه عاطفه نیز از مسئولان کشور برای رسیدگی به پرونده برادرزاده اعدام شده اش دادخواهی کرد و گفت : " ... قاضی درنامه نگاری به دیوان عالی کشور [جهت تایید] حکم اعدام ، سن عاطفه را 22 سال اعلام کرده بود. درحالی که وی براساس شناسنامه متولد 30 شهریور سال 1366 است . قاضی دادگاه زنا کاران متاهل **ع.ا.د** (50 ساله) و **ع.ذ** (45 ساله) را که بارها از اختلال حواس عاطفه سوء استفاده جنسی کرده بودند ، فقط به چند ضربه شلاق محکوم کرد . در آخرین ملاقات با عاطفه ، وی در زندان به من گفت : عمه جان آن سه نفر در آخرین مرحله سه شبانه روز به من تجاوز کردند. قاضی روز اعدام عاطفه را به اقوام وی اطلاع نداده بود و من از کانالی غیررسمی [مطلع شدم و] در روز اعدام سر رسیدم . عاطفه با صدای بلند به قاضی گفت : اگر این بار مرا عفو کنی تا آخر عمر به نامحرم نگاه نمی کنم . اما قاضی خودش طناب دار را کشید ... کجای دنیا و کدام دین یک دختر صغیر و معلول ذهنی را به اعدام محکوم می کند و متجاوزین حیوان صفت تنها به چند ضربه شلاق قابل خریداری محکوم می شوند..." 19

خانم آسیه امینی در مقاله ای نوشت : " ... صفر علی سهاله ، پدر عاطفه در گفتگو با سایت زنان ایران با نشان دادن شناسنامه خود که در آن سال تولد دخترش عاطفه 1366 ثبت شده ، از تنظیم شکایتی علیه حکم اعدام عاطفه خبر می دهد. همچنین در رونوشت وفات عاطفه که در سازمان ثبت احوال کشور با شماره (9348635/ف) ثبت شده ، سال تولد وی 1366 عنوان شده است ... پدر عاطفه برایم از زندگی خانوادگی اش و دربدری های عاطفه می گوید و بالاخره این که در سه ماهی که دخترم در زندان بود من فقط ده دقیقه او را دیدم . البته صفر علی کهنه فروشی دوره گرد است و حتا در شب اعدام عاطفه از اعدام دخترش با خبر نشده تا با او وداع کند یا در صحنه اعدام دخترش حضور یابد : شب اعدام عاطفه در خیابان زرنندی [اهمیتی ندارد، اما به نظرم در انتقال نام مکان اشتباهی پیش آمده و نام مکان نه خیابان ، بلکه روستای " زرنندین " باید باشد . دو روستای " بالا زرنندین " و " پایین زرنندین " به تریب در فاصله 8 کیلومتری و 3 کیلو متری شهر نکا واقع شده اند] کارگری می کردم

. اما خواهر و پسرخواهرم در وقت اعدام او حاضر بودند. صفر علی همچنین درباره شایعه دستکاری شدن قبر عاطفه بعد از دفن می گوید : مارسم داریم تا برای مرده مراسم سوم و هفتم نگرفته ایم ، سرخاکش نمی رویم . برای عاطفه هم وقتی بعد از سوم سرخاک رفتیم ، دیدیم قبر به هم ریخته است و آن را کنده اند . به پلیس خبر دادیم . گفتند : ما بررسی می کنیم ... برمیزی که مقابل من است کارنامه های زمان تحصیل عاطفه را چیده ام . از معدل 17/16 شروع می شود ، به 14/67 و 12/3 و 11/6 و ... می رسد و در همه آن ها نمره انضباط عاطفه کمتر از 17 نبوده است " 20

در مقاله دیگری از خانم آسیه امینی با عنوان " عاطفه فقط 16 سال داشت " - که قسمتی از آن قبلاً نقل شد - به احکام و مجازات های پیشین عاطفه نیز اشاره شده است : "... عده دیگری از اهالی نکا در نامه دیگری با 43 امضا در تاریخ 2 خرداد 1383 نوشته اند : اینجانبان از اهالی خیابان راه آهن نکا (نواب صفوی) که از معتمدین شهرستان نکا هستیم، اطلاع کافی داریم که عاطفه سهاله دختر صفر علی ، از عقل کم دارد و دارای بیماری روان می باشد . مراتب جهت جلوگیری از پیگرد قانونی به اطلاع می رسد. همچنین شهادت نامه دیگری به امضای 44 تن از اهالی نکا رسیده است که در تاریخ 25 مرداد 1383 (بعد از اعدام عاطفه) اخذ شده و در آن ساکنان نارنج باغ و بستگان و آشنایان عاطفه ، به داشتن جنون ادواری و اختلال مشاعر وی شهادت داده اند ... احکام پیشین عاطفه که طبق آن ها به حد جلد (یک صد ضربه تازیانه) محکوم شده در تاریخ های 1380/10/27 (در 14 سالگی) ، 1380/12/25 (دو ماه بعد از حد اول) و 1381/6/20 (در 15 سالگی و 6 ماه بعد از دومین حکم) به اجرا درآمده اند . همین متن را مرور کنیم : دختر 14 ساله ای در فاصله کمتر از یک سال ، سه بار و هر بار صد تازیانه شلاق می خورد به جرم فساد و زنا ی غیرمحصنه . پرسش هایی ذهنم را خراش می دهد: چند تازیانه جامعه ای را که یک دختر 14 ساله را به فحشا می کشاند ، مجازات کرده است ؟ چه شرایطی برای تغییر وضعیت خانوادگی و اجتماعی عاطفه ایجاد شده است ؟ آیا قانون برای دخترکی به نام عاطفه ، 14 ساله ، فقط هنگام مجازات معنا یافته است ؟ ... " 16

در پی اعدام عاطفه ، فرماندار نکا [شخصی به نام ابراهیم قربانی] و شهردار نکا [به نام عباسعلی صادقیان] و ارگان هایی مانند سپاه و بسیج و ... در شهر نکا اقدام به نصب پارچه نوشته هایی کردند و در آن ها اعدام عاطفه را به رییس دادگاه تبریک گفتند و آن را اقدامی الهی دانستند . 21

واکنش به اعدام عاطفه در خارج کشور: در پی اعدام عاطفه ؛ افراد ، نهادها و سازمان های متعددی نسبت به این امر واکنش نشان دادند . شرایط ظالمانه حاکم بر زندگی

عاطفه ، روند دستگیری ، محاکمه و اعدام او ، اعتراضات و انتقادات بجایی را سبب گردید. خبر رسانی و بازگویی واقعه ، اعلامیه و بیانیه ، نوشته های ادبی و تحلیل های حقوقی ، محورهایی بودند که در آن ها به موضوع عاطفه پرداخته شد.

" سازمان عفو بین الملل " با انتشار بیانیه ای تحت عنوان " ایران : خشم عفو بین الملل از اعدام گزارش شده یک دختر 16 ساله " در تاریخ 23 اوت 2004 ، نسبت به اعدام عاطفه ، واکنش نشان داد . در بخشی از این بیانیه چنین آمده بود : " سازمان عفو بین الملل خشم خود را از اعدام گزارش شده دختری که اعتقاد بر این است که 16 سال سن داشته ، در نکا در استان مازندران در شمال ایران ، در تاریخ 15 اوت ، برای " اعمال منافی عفت " ، اعلام میدارد . گزارش ها بیانگر آن است که عاطفه رجبی درملاء عام در خیابانی در شهرستان نکا به دار آویخته شد . سازمان عفو بین الملل نگران است که بنا به گزارش ، این اعدام با وجود آن انجام شد که عاطفه رجبی نه به لحاظ روانی سالم بوده و نه در مراحل دادرسی ، امکان دسترسی به وکیل را داشته است" 22

پس از آن ، یک وبلاگ فارسی به نام " دیلماج " کار ارزشمندی انجام داد و بیانیه سازمان عفو بین الملل در مورد عاطفه را ، به پارسی ترجمه کرد و آن را با عنوان " گزارش سازمان عفو بین الملل در مورد صدور حکم اعدام عاطفه رجبی " ، در تاریخ 2 سپتامبر 2004 بر روی سایت خود قرار داد. 23 همچنین ، تلویزیون " آریانا " افغانستان ، گزارش مورخ 2004/9/8 سازمان عفو بین الملل را منعکس کرد که در آن ، به اعدام عاطفه نیز اشاره شده بود . 24

سایت " همبستگی ملی " مطلبی را به نقل از روزنامه " آفتن پستن " نروژ منتشر کرد : "... هفته گذشته عاطفه رجبی دختر 16 ساله ایرانی در ملاء عام در شهر نکا به دار آویخته شد . محمود امیری مقدم پزشک ایرانی و فعال حقوق بشر که در دانشگاه اسلوکار می کند می گوید: " این اعدام وحشتناک نشانگر این مطلب است که رژیم ایران تلاش دارد تا حلقه فشار را بر ملتی که نارضایتی در بین آنان دائماً در حال گسترش بیشتر است تنگ تر کند ... او [عاطفه] در واقع به عنوان یک قربانی که رژیم برای ترساندن ملت از وی استفاده کرده ، به حساب می آید ... عفو بین الملل به این اعدام اعتراض کرده اما در سطح جوامع بین المللی در واقع سکوت حاکم بوده است . به عنوان یک فعال حقوق بشر معتقدم که جای بسی نگرانی است که جامعه اروپا و یک سری کشورهای دیگر ، اتفاقات این چینی را که با فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر اتفاق می افتد ، نادیده گرفته و از آن چشم پوشی می کند . " 25

" مرگ ودوشیزگی در ایران " عنوان مقاله ای به قلم آقای " الیستر پالمر " (alasdair palmer) بود که در روزنامه " دیلی تلگراف " لندن درباره اعدام عاطفه چاپ شد . آقای پالمر در مورد اعدام عاطفه و بازتاب آن ، در گفتگویی با " شهران طبری " از رادیو " فردا " چنین گفت : " من از خبر اعدام ونحوه صدور حکم این دختر بچه معصوم که رفتارش مانند هر نوجوان 16 ساله دیگری در دنیا است ، حیرت زده و در عین حال منزجر شدم ... آن چه باعث حیرت من شده این است که چنین حکمی حتی مطابق شریعت اسلام هم غیر قانونی است ... این نوع رفتار ها واحکام در قرن 21 با تلاش هایی که تمام جوامع بشری برای رعایت حقوق بشر به خرج داده اند ، کاملاً غیر قابل قبول ومغایر ضوابط انسانی شمرده می شود... آن چه بیش از آن برایم حیرت آور بود ، البته نباید بگویم بیش از آن ، آن چه تعجب من را برانگیخت ، این است که هیچ کس در انگلستان و اصلاً در تمام جهان این موضوع را منعکس نکرده ... نشریات غربی در این باره تقریباً سکوت اختیار کرده اند... این موضوعی است که اگر فی المثل در یک کشور غربی یا جای دیگر اتفاق می افتاد ، خشم عمومی را بر می انگیزت و درباره اش تا مدت ها جنجال وبحث وگفتگو می شد .

شهران طبری : از الیستر می پرسم فکر می کنید پس چرا جهان در مورد ایران سکوت اختیار کرده ؟ الیستر پالمر : من راستش درست نمی دانم چرا ، فقط می توانم حدس بزنم ... به نظرم دو نظر افراطی در مورد اسلام که مغایر هم هستند ، دست به دست هم داده بر رفتار مطبوعات و رسانه ها تاثیر گذاشتند . این دو نظر یکی نظرافراطی ضداسلام و دیگری نظر افراطی طرفدار اسلام در بریتانیا است . طرفداران افراطی اسلام فکر می کنند از شریعت اسلام نباید انتقاد شود ، چرا که نگرانند مبدا به مسلمانان بر نخورد . اما مخالفان اسلام معتقدند همه مسلمانان یک عده بربر و عقب افتاده هستند که قابل اصلاح نیستند ونباید محلشان گذاشت . نتیجه این می شود که این دو نظر افراطی به توافق می رسند ودرباره یک چنین بی عدالتی در مورد دختر 16 ساله ایرانی سکوت اختیار می کنند." 26

همچنین خانم " زهرا ارزنی " در گفتگویی با رادیو " دویچه وله " در مورد عدم رعایت ضوابط وقوانین (مصوب خود حکومت) گفت : " ... اگر این دختر 16 ساله بوده ، مرجع رسیدگی به جرمش باید دادگاه اطفال می بود . به علاوه دیوانگان طبق تصریح قانون ، مسئولیت کیفری ندارند... باتوجه به قانون تشکیل دادگاه عمومی وانقلاب که سال 81 هم اصلاح شد ، دادگاه شهرستان نکا صلاحیت رسیدگی به این پرونده را نداشته است . برای این که طبق ماده 20 این قانون مشخص شده است که جرایمی که مجازات آن ها در حد اعدام است حتماً باید در دادگاه استان وبا حضور 5 قاضی رسیدگی شود... ازطرف دیگر اگر این خانم جرمی را در حد مجازات اعدام انجام داده ، حتماً می بایست وکیلی اختیار می کرد ... این اصل رویه قضایی است که مجازات های در حد حبس ابد یا اعدام ، حتماً با حضور وکیل باید درخواست شوند." 27

علاوه بر آن تعداد دیگری از بنگاه های رسانه ای نیز موضوع اعدام عاطفه را پوشش دادند. از جمله ، " صدای آمریکا " (voa) در برنامه " شباهنگ " در تاریخ 2004/9/7 ، در گفتگویی با خانم " لیلی پورزند " به ماجرای اعدام عاطفه و برخی مسایل حقوقی وارد بر آن پرداخت . 28 " بی بی سی " نیز در 14 دسامبر 2004 ، در خبری تحت عنوان "اعتراض عفو بین الملل به حکم اعدام زن جوانی در ایران " (که درمورد صدور حکم اعدام برای دختر 19 ساله ای در شهر اراک بود) به اعدام عاطفه نیز اشاره کرده و نوشته بود : به گزارش روزنامه **ایند پیپند نت** چاپ لندن ، در ماه گذشته دختر شانزده ساله ای به نام عاطفه در ایران اعدام شد . 29 بنگاه بی بی سی همچنین اقدام به تهیه یک فیلم مستند در خصوص عاطفه نمود. خانم " **Monica Garnsey** " تهیه کننده و کارگردان فیلم بود و گروهی نیز با وی همکاری نمودند که در 26 نوامبر سال 2005 برای تحقیق و تولید مخفیانه فیلم ، در پوشش توریست به ایران سفر کردند. فیلم در 27 جولای 2006 از BBC2 پخش شد. فیلم مستندی در باره عاطفه ، در شبکه جهانی وب قابل دسترس است . 30

درعین حال ، خانم " Garnsey " مقاله ای با عنوان " اعدام یک نوجوان " در روزنامه " **گاردین** " به تاریخ 27 جولای 2006 به چاپ رساند ، که در آن به یادآوری موضوع عاطفه و شرح مختصری در مورد چگونگی سفر به ایران برای تهیه یک فیلم مستند در آن مورد پرداخته بود . 31 بی بی سی ، مرتبه ای دیگر در 27 ژوئیه 2006 ، در بخش خبری گزارشی با عنوان " اجرای حکم اعدام یک دختر نوجوان " پخش کرد و طی آن به موضوع اعدام عاطفه پرداخت . 32 همچنین شبکه تلویزیونی " و-د-ار " (WDR.DE) آلمان نیز در 2007/2/26 ، فیلم مستندی درباره عاطفه پخش نمود . 33 شبکه تلویزیونی "DR2" دانمارک نیز نسبت به پخش فیلمی درخصوص " زندگی نامه و اعدام عاطفه " در 18 دسامبر 2007 اقدام کرد . 34

برخی سازمان ها و احزاب سیاسی نیز نسبت به اعدام عاطفه واکنش نشان داده و آن را محکوم کردند. از جمله " سازمان مجاهدین خلق " و " حزب کمونیست ایران (مارکسیست – لنینیست – مائونیست) " . نشریه " **مجاهد** " در سرمقاله شماره 682 خود چنین نوشت : " روز شنبه 24 مرداد ، شاهرودی ، رییس قوه قضاییه رژیم آخوندی در جمعی از خبرنگاران و سفیران رژیم ، با دم زدن از " توسعه قضایی " در " مردم سالاری دینی " ، راجع به فواید " مجازات های شلاق و تعزیر " گفت : " ضایعات و هزینه های حبس و زندان بیش از مجازات های شلاق و تعزیر است " و " سیاست اسلام مبتنی بر زندان و حبس نیست " . آخوندهای دم کلفت حکومتی بارها راجع به مضار مجازات زندان (به معنی نگهداری نان خور اضافه)

و در مورد فواید اعدام در ملاء عام (به معنی ترساندن و کنترل عامه مردم) داد سخن داده اند. روز یکشنبه 25 مرداد 83... آخوندها دختر نوجوانی به نام عاطفه را در شانزدهمین بهار زندگیش در برابر دیدگان مبهوت و گریان مردم شهر نکا اعدام کردند... خود کامگی در کاربرد خشونت برای کنترل اوضاع، که قاضی القضاة رژیم با وقاحت آن را مفیدتر از زندان و از علایم توسعه قضایی در بربریت آخوندی می داند، مصداق بارزی از "خشونت عامدانه علیه شهروندان" است که برحسب برخی از تعاریف مشهور "بلادرنگ تروریسم نامیده می شود" هدف این خشونت و تروریسم، ارباب و کنترل شهروندان و حفظ نظام نامشروع و غاصب است و نباید از "حق" گذشت که "توسعه" این روش ها به اشکال گوناگون، دستاورد بی گفتگوی قضاییه آخوندهاست...." 35

خانم "مریم رجوی" از رهبران سازمان مجاهدین خلق نیز، طی پیامی، اعدام عاطفه را محکوم نمود و با تسلیت به خانواده داغدار عاطفه سهاله و جوانان و مردم دردمند نکا، گفت: "این جنایت ها خشم و نفرت مردم را بیشتر و مقاومت برای آزادی و ریشه کن کردن استبداد دینی را فروزانتر می کند". او از جامعه بین المللی، سازمان ها و شخصیت های مدافع حقوق بشر و فعالان زن و انجمن های مدافع حقوق زنان خواست که این جنایت وحشیانه را محکوم کنند. 36

نشریه "حقیقت" ارگان "حزب کمونیست ایران" در مورد اعدام عاطفه نوشت: "حاجی رضایی، قاضی دادگستری جمهوری اسلامی، شخصا طناب دار را به گردن عاطفه 16 ساله انداخت. قبل از اعدام، قاضی و 2 تن از ماموران انتظامی اش به نام های ذبیحی و مولائی سه شبانه روز به وی تجاوز گروهی کردند. قاضی شخصا او را شکنجه داد... در چارچوب قانون اسلامی کارش بی نقص و عیب بود. زیرا در ایران اسلامی طبق قانون می توان دختر را از 9 سالگی به بعد کشت، فروخت و به او تجاوز شرعی کرد... عاطفه دختر معصوم مردم فقیر و زحمتکش ما زیر دست و پای جانین جمهوری اسلامی جان باخت... موجودیت جمهوری اسلامی به سرکوب زنان وابسته است... همین قضاة قوه قضاییه و پاسداران و نیروهای انتظامی قوه مجریه که دختری را به جرم "اعمال منافی عفت" اعدام می کنند، خودشان شبکه های سودآور فحشا و صادرات زن به شیخ نشین ها را اداره می کنند... سران رژیم جمهوری اسلامی بدین طریق می خواهند یک بار دیگر به زنان بفهمانند که: "در این نظام شما برده اید و برده خواهید ماند"!..." 37

برخی از جمعیت ها و انجمن هانیز، اعدام عاطفه را محکوم کردند. نامه جمعیت ایرانی حقوق بشر در شمال کالیفرنیا به خانم "لونیز آربور" کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد به تاریخ 1383/6/7 (28 اوت 2004) تحت عنوان "اعتراض به

سرکوب حقوق بشر در ایران " 38 ، اطلاعیه انجمن زنان دموکرات ایران (بلژیک) به تاریخ 1383/6/24 (14 سپتامبر 2004) تحت عنوان " سنگینی چوبه های دار از برکت نقض حقوق بشر " 39 ، بیانیه کمیسیون زنان اتحاد جمهوری خواهان ایران به تاریخ 1383/6/10 (31 اوت 2004) تحت عنوان " اعدام عاطفه رجبی را محکوم می کنیم " 40 ، بیانیه انجمن دانشجویی دفاع از حقوق بشر در ایران به تاریخ 1383/6/4 (25 اوت 2004) تحت عنوان " نگارید عاطفه ها را به دار آویزند " 41 از جمله این موارد است .

متأسفانه برخی از شخصیت ها ، احزاب و گروه های سیاسی و انجمن های ایرانی مخالف حکومت جمهوری اسلامی که بعضاً در طول سال ها ، در باب وضعیت نامساعد زنان در ایران گفته و نوشته بودند، از موضوع اعدام عاطفه گذشتند و هیچ واکنشی نسبت به آن نشان ندادند. شاید خوش نمی داشتند اعدام دختری را محکوم کنند که به فساد اخلاق متهم شده بود. هرچند که این دختر ، نوجوان و مبتلا به بیماری روانی باشد . به هر صورت ، در پی بروز هر بیداد و جنایتی از سوی رژیم ، باید پاسخی مناسب و در خور داد . عدم بروز واکنش مناسب و بهنگام از سوی همه فعالان سیاسی و اجتماعی ، رژیم را به تداوم حملات خود تشویق و آن را گستاخ تر می سازد . سرانجام کار به جایی می رسد که آه و فغان از نهاد همه ، حتی بی تفاوت ها هم بر آید . تجاوز جنسی به زندانیان ، به ویژه زندانیان سیاسی ، از ابتدای عمر حکومت کثیف جمهوری اسلامی وجود داشته و دارد. اما جز برخی افراد و گروه ها و سازمان ها ، بسیاری دیگر در طول سالیان متمادی از پرداختن به این امر و محکوم نمودن آن طفره رفتند. ولی طی فجایع و جنایاتی که در سال 1388 توسط رژیم بر علیه مردم شریف کشور انجام شد و دامنه چنین تعرضاتی به تمامی بخش ها و اقشار جامعه گسترش یافت، حتی آن ها که مهر سکوت به لب داشتند نیز به سخن آمدند . و همگان دریافتند که همراهی و همگامی با کسانی که مورد ستم واقع و قربانی حکومت می شوند، یک ضرورت است . زیرا می توانست از خشونت و قساوت رژیم در مراحل بعدی ، بکاهد . بخشی از جامعه و حتی برخی از افراد فعال در عرصه حقوق بشر کشور نیز ، همه آن چه را که در مورد جنایات حکومت گفته می شد ، باور نداشتند ، تا خود گرفتار آمدند. به قول خانم " مهر انگیز کار " که در بیان گرفتاری های پس از شرکت در کنفرانس برلین ، چنین نوشت : " همان روز اول که جسم و روح درگیر تحقیقات ویژه شد ، با تمام پوست و گوشت و استخوان ، شیوه ها مزورانه بازجویی را شناختم . به موکلینی اندیشیدم که سال ها برایم قصه هایی از بخش های ویژه قضایی گفته بودند. از زندان توحید ، از شکنجه ، از امضاء ذیل اقرار و اظهارات دیکته شده ، اقرار به ارتکاب زنا و... ، آن ها بسیار گفته بودند. اما من همه را باور نکرده بودم . حال خود در تار عنکبوت ویژه فرو افتاده بودم و.... " 42

خانم " سهیلا شریفی " در مقاله ای با عنوان " آتفه رجبی را نباید فراموش کرد " که در ماه اوت سال 2004 منتشر شد ، به درستی این نکته را مطرح و بر آن تاکید نموده بود : " یکشنبه گذشته ، 25 مردادماه ، شهرستان شمالی نکا شاهد یکی از دردناکترین و غیر انسانی ترین جنایات مقامات قضایی جمهوری اسلامی بود. در این روز یک دختر جوان 16 ساله به نام آتفه رجبی ... به دار آویخته شد ... هیچ کلمه ای قادر نیست عمق جنایتی را که این چنین ظالمانه زندگی کوتاه و پر آرزوی یک دختر جوان را قصابی کرد ، تشریح کند... این دختر جوان ... در برابر زن ستیزی و آپارتاید حاکم بر ایران ایستادگی کرد ... آتفه رجبی را نباید فراموش کرد . قتل او را باید بهانه ای کرد برای متشکل شدن و اعتراض به رژیم جنایتکار اسلامی . در اعتراض به اعدام او ، باید دور هم جمع شد و متحدانه علیه جمهوری اسلامی و تمام قوانین ضد بشری آن مبارزه کرد ... " 43

کشورهای غربی نیز همچون همیشه ، با پرهیز از برخوردی قاطع ، حفظ روابط با جمهوری اسلامی و تامین منافع خود را ترجیح دادند . حداکثر کاری که انجام شد : مدت ها بعد ، پارلمان اروپا اقدام به صدور قطعنامه ای نمود و در آن چند مورد نقض حقوق بشر در ایران مانند بازداشت روزنامه نگاران ، وبلاگ نویسان و فعالان اینترنتی ، صدور احکام قضایی سنگین علیه متهمان زیر هجده سال را با هم محکوم کرد . در قطعنامه مزبور به اعدام افراد زیر هجده سال مانند عاطفه نیز اشاره شد . 44

عاطفه در رسانه های داخل کشور : خانم " شیرین عبادی " حقوقدان ، برنده جایزه نوبل در صلح و رییس کانون مدافعان حقوق بشر ، در مورد صدور حکم اعدام برای عاطفه و افراد زیر 18 سال ، تقصیری را متوجه قوه قضاییه جمهوری اسلامی ندانست و گفت : " مساله ای که در جوامع بین المللی همواره مورد بحث است و دولت ایران نیز متهم به آن می شود ، صدور حکم اعدام برای افراد کمتر از 18 سال است که در این زمینه اعتراضی به قوه قضاییه وارد نیست ، زیرا قوه قضاییه جز اجرای قانون کار دیگری نمی تواند بکند و حق ندارد انجام دهد. " 45

در این جا ذکر نکاتی در مورد بیانات خانم عبادی ، ضروری به نظر می رسد . تهیه " لوایح قضای " و " پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان " از وظایف و مسئولیت های قوه قضاییه است . 46 عاطفه در مرداد ماه 1383 اعدام شد و پس از موج اعتراضاتی که علیه این اعدام به راه افتاد ، لایحه پیشنهادی قوه قضاییه تحت عنوان " لایحه رسیدگی به جرایم اطفال ونوجوانان " در تاریخ 1383/9/11 در جلسه هیات وزیران تصویب شد و در تاریخ 1383/11/18 از سوی رییس جمهور وقت (محمد خاتمی) برای رییس وقت مجلس شورای اسلامی (غلامعلی حداد عادل) ارسال شد تا مراحل قانونی خود را طی کند. 47 چگونه قوه

قضایه مقصر نیست ، وقتی که براساس وظیفه قانونی خود عمل نکرده و لایحه ای که ضرورت آن کاملاً حس می شد را تهیه و برای طی مراحل قانونی ، ارسال ننموده است ؟ تهیه و ارائه این لایحه در زمان یاد شده ، آن هم باشتاب و عجله ، و در شرایطی که ایرادات و ابهامات و تناقضات در آن به چشم می خورد ، تنها یک اقدام سیاسی جهت پاسخ گویی به موج اعتراضات علیه حکومت به علت اعدام عاطفه و دیگر کودکان بوده است . در عین حال ، در خصوص " پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان " که از وظایف و مسئولیت های رییس قوه قضاییه است ، باید سوال کرد که در چندمورد از مواردی همچون صدور حکم اعدام عاطفه و نوجوانان دیگر (بدون وارد آمدن فشارهای فعالین و سازمان ها و افکار عمومی جامعه جهانی) از این " پیشنهاد عفو یا تخفیف " استفاده شده است ؟ در ضمن ، با خواندن گفته های خانم زهرا ارزنی و شادی صدر در همین نوشته ، متوجه می شوید که تخلفات متعدد و متنوعی در پرونده عاطفه روی داد که مسئولیت آنها تمام و کمال بر عهده دستگاه قضایی بوده است . در مورد لایحه مزبور باید گفت که پس از حدود 2 سال ، در سال 1385 و در دوره هفتم شورای اسلامی ، کلیات آن تصویب شد ولی ادامه کار بر روی این لایحه مسکوت ماند . در عین حال به قول خانم " مریم زهدی " : " وکلای دادگستری و حقوقدان معتقدند تا زمانی که قضات و دادگاه ها این اختیار را دارند که فردی را که در زمان ارتکاب جرم بالغ تشخیص داده شده ، محکوم کنند ، حتی این تغییرات قانونی هم نمی تواند کارساز باشد. " 48

خانم " شادی صدر " در روزنامه " شرق " (وابسته به یکی از جناح های حاکمیت) ، مقاله ای تحت عنوان " ملاحظاتی درباره یک حکم " نوشت : " ...نقد رای داده شده و اعدام انجام شده در این نوشته تنها بر پایه مفاد رای دادگاه و گفته های قاضی حاجی رضایی صورت می گیرد . در بخش پایانی رای دادگاه که در مدتی بسیار کوتاه توسط دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت و به سرعت نیز اجرا شد آمده است : " در این پرونده عاطفه 22 ساله که مجرد می باشد دارای چندین فقره سابقه کیفری (به حد جلد) و با توجه به اقرار خود متهم برای بار چهارم به انجام زنا ی محصنه دستگیر گردیده و با توجه به محتویات پرونده و اقرار اربعه ، جرم وی محرز و محکوم به اعدام می شود که جهت حفظ نظم و ارتداع دیگران وصیانت از حقوق اجتماع اعدام به نحو علنی در نقطه مناسبی از شهر نکا اجرا می شود... " هرچند در این بخش رای نیامده که عنوان مجرمانه عاطفه که برای آن به اعدام محکوم شده چه می باشد ، اما یک هفته نامه که به نظر می رسد مدت هاست این خبر را پی گیری می کرده ادعا دارد جرم اعدام شده ، ارتباط نامشروع با مردان بوده است و این که متهمه صریحاً اقرار به دائر کردن خانه فساد و کشاندن مردان به آن کرده است (هفته نامه ماهان ، 27 مرداد 83 ، ص 7) . قاضی پرونده نیز گفته است : " اوایل امسال گزارش هایی بی امضا از طرف ساکنان محله ای در نکا رسیده بود که خانم عاطفه . س رابطه نامشروع با افراد دارد " (روزنامه اعتماد ،

31 شهریور 83). همان طور که در رای دادگاه آمده است، اعدام شده مجرد بوده و طبق قانون مجازات اسلامی، زناي فرد بدون همسر (غير محصنه) صد ضربه تازیانه حد خواهد داشت (ماده 88). البته ماده 90 همین قانون می گوید: "هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود"، که ظاهراً تنها دستاویز قاضی پرونده برای اعدام زنی مجرد، همین ماده می تواند باشد زیرا در حکم خود تصریح کرده است که متهمه چندین فقره سابقه کیفری محکومیت به حد جلد داشته است. اما چند نکته به ظاهر کوچک قطعیت و درستی این استناد را مورد تردید قرار می دهد. اول این که حتی اگر اعدام شده چندین بار به خاطر رابطه نامشروع شلاق خورده باشد، باز هم عمل او زناي محصنه، آن طور که قاضی در حکم آورده محسوب نمی شود. دوم این که قاضی باید در حکم خود تصریح می کرد که براساس چه مدارک و اسنادی به این نتیجه رسیده که اعدام شده حداقل سه بار قبلاً به دلیل زنا، و نه دلایل دیگر، صد ضربه شلاق حدی (ونه شلاق تعزیری) خورده است و بار چهارم به استناد ماده پیش گفته و چهار بار اقرار اعدام شده او را به مرگ محکوم می کرد. به کار بردن لفظ "چندین بار" از دقت و منطق حکم می کاهد. همین طور به کار بردن لفظ "زناي محصنه"، در حالی که در چند جمله جلوتر تصریح شده که اعدام شده مجرد بوده است، تحلیلگر را گیج و سردرگم می کند که اگر مجرد بوده است که نمی توانسته مرتکب زناي محصنه شود و اگر زناي محصنه کرده که طبق قوانین ایران باید سنگسار می شده و نه اعدام!... " 49

البته مدتی بعد، خانم شادی صدر که وکالت پدر عاطفه را در شکایت او از خاطیان پرونده عاطفه به عهده گرفته بود، اعلام کرد: "... با بررسی مدارک موجود ... مثل شناسنامه پدر و مدارک تحصیلی خود "عاطفه" به این نتیجه رسیدیم که ادعای آن ها درست بوده و عاطفه 16 سال داشته است یعنی متولد سال 66 بوده ... طبق استشهاد و اظهارات اهالی محل، عاطفه دچار جنون ادواری و اختلال حواس نیز بوده است." صدر گفت تنها 105 روز از صدور حکم بدوی تا اعدام طول کشیده است و خانواده عاطفه، خواهان روشن شدن حقیقت ماجرا، اخذ دیه و شکایت از قاضی بدوی صادر کننده حکم هستند. 50 بنابر شنیده از دوستی فرهیخته، پس از آن که خانم شادی صدر وکالت پدر عاطفه را بر عهده گرفت، ایشان طی تماس هایی، از خانم صدر می خواهد که با تحویل مدارکی از پرونده عاطفه نسبت به افشاگری بیشتری از پرونده مزبور اقدام نماید که این تقاضا مورد موافقت خانم صدر قرار نمی گیرد.

روزنامه دولتی "ایران"، در پی به راه افتادن موجی از اعتراضات علیه اعدام عاطفه، اقدام به چاپ مقاله ای تحت عنوان "جزئیات اعدام دختر 22 ساله درنکا" در تاریخ 1383/6/8 نمود. در این مقاله سعی شده با تحریف حقایق، حکومت از اتهامات وارده تبرئه

گردد: " دختر 22 ساله در ملاء عام اعدام شد. او در دادگاه شهرستان نکاء به پنج بار زناى غير محصنه اعتراف کرده بود . اين دختر که عاطفه معروف به ماسوها هندی بود ، با شکايت همسايه ها و پدر بزرگش دستگير شده بود . 5 اردیبهشت ماه سال جاری عده ای از اهالی خیابان راه آهن و نارنج باغ در نامه ای به نیروی انتظامی اعلام کردند دختر نوجوانی از مدتی قبل در این منطقه اقدام به فساد و فحشاء کرده و با عده ای روابط غیر اخلاقی دارد . کارهای او باعث آبروریزی شده است و ماهم جدیداً" متوجه شده ایم که او سر راه مدارس دخترانه قرار می گیرد و پس از فریب دادن آن ها، آنان را باخود در کارهای فساد همراه می کند . ماموران پس از دریافت این گزارش با دستور قضایی به تحقیق پرداختند و متوجه شدند اهالی منطقه در دفاع از دختران خود و مبارزه با عاطفه – دختر 22 ساله – قصد دارند تا خانه وی را به آتش بکشند . درحالی که تحقیقات در این مورد انجام می شد پیرمردی 90 ساله با مراجعه به دادگستری از نوه اش شکايت کرد و گفت : من یک پیرمرد هستم و دیگر از دست نوه ام خسته شده ام . پدرش او را به من سپرده است ولی من و همسر من به علت کهولت سن و بیماری قادر به کنترل او نیستیم و او از چند سال پیش با افراد فاسد و خلافکار ارتباط پیدا کرده است ... بااین شکايت عاطفه در خانه اش دستگير شد... دختر جوان دیگری نیز به همراه وی در خانه اش دستگير و هر دو در شعبه اول دادگاه عمومی نکا به ریاست قاضی رضایی حاضر می شوند ... دومی که بنا به گفته عاطفه با او رابطه داشته اند دستگير و تحت بازجویی قرار گرفتند. عاطفه – دختر دستگير شده – در تمام مراحل بازجویی نزد قاضی رضایی و در جلسات محاکمه که در حضور وکیل تسخیری اش برگزار می شد به پنج بار زناى غير محصنه اقرار کرد. قاضی دادگاه با توجه به محکومیت های سابق این دختر – 4 بار – به 100 ضربه تازیانه و اقرار های دیگر وی در آخرین جلسه محاکمه ، او را براساس مواد قانون مدنی و همچنین علم قاضی – مواد 105 و 120 قانون مجازات اسلامی – به اعدام و سایر متهمان پرونده را نیز پس از محاکمه به شلاق محکوم کرد . با اعتراض عاطفه و وکیلش به حکم صادره پرونده به شعبه 32 دیوان عالی کشور ارجاع شد که قضات این شعبه حکم صادر شده را تایید کردند... صبح روز یکشنبه 25 مرداد در سی متری نارنج باغ عاطفه خود را در میان جمعیت زیادی دید ... دلش می خواست خوب باشد ولی هیچ وقت نتوانسته بود ، وصیت کرد تمام اموال و پول هایش را به دو دختر بی سرپرست بدهند. مراسم اجرای حکم اعدام عاطفه زیاد طول نکشید... " 51

در نوشته بالا که شبیه متونی است که دستگاههای امنیتی برای چاپ به نشریات می سپارند ، نکاتی وجود دارد که مرور می کنیم : 1- عنوان کردن سن 22 سالگی برای عاطفه ، که این امر از تیتر نوشته آغاز و در متن نیز تکرار می گردد. 2- دستگیری عاطفه براساس طرح شکايت از سوی همسايه ها و پدر بزرگ او بوده است (ونه جزیی از سناریوی قاضی و افسران فاسد نیروی انتظامی) 3- عاطفه به فریب دختران مدرسه و کشاندن آن ها به فساد

اقدام می نمود (یعنی مشکل فردی به یک مشکل بزرگ اجتماعی تبدیل شده بود که می بایست هرچه سریعتر برای آن چاره اندیشی نمود) 4- با دستور قضایی ، ماموران پس از دریافت گزارش به تحقیق پرداختند (یعنی شتابی که گفته می شود بر پرونده حاکم بوده ، نادرست است و تحقیق محلی نیز انجام شده بود) 5- ماموران متوجه شدند اهالی قصد دارند محل سکونت عاطفه را به آتش بکشند (یعنی عاطفه از دید مردم محل سزاوار مرگ بود و حتی اگر قاضی چنین حکمی صادر نمی کرد ، مردم خود عاطفه را می کشتند) 6 - ارتباط عاطفه از چند سال پیش با افراد فاسد و خلاقکار (فراهم کردن زمینه برای پذیرش حکم ، که عاطفه دیگر قابل اصلاح نبود) 7- جلسات محاکمه در حضور وکیل تسخیری اش برگزار می شد (در پاسخ به نداشتن وکیل) 8- اقرار عاطفه به پنج بار زنا ی غیر محصنه (نشان دادن پذیرش جرم توسط متهم ، بدون این که به شرایطی که تحت آن اقرار کرده اشاره شود) 9- صدور حکم بر اساس مواد قانونی و همچنین علم قاضی (تلاش برای نشان دادن انطباق حکم صادره با مواد قانونی) 10- اعتراض عاطفه و وکیلش به حکم صادره (تاکید بر آن که عاطفه در تمام مراحل دادرسی وکیل داشته است) 11- دلش می خواسته خوب باشد ولی هیچ وقت نتوانسته بود (ظاهرًا " همدردی با عاطفه ولی در واقع تخریب هرچه بیشتر وی ، که تمام افعال صادره از عاطفه ، زشت و ناپسند بوده است) 12- وصیت کرد تمام اموال و پول هایش را... (به کار بردن کلمه " تمام " به ذهن خواننده این سوال را القا می کند که با داشتن یک خانواده فقیر ، عاطفه چه اقدامات و اعمال گسترده خلافی انجام داده که صاحب اموال و دارایی آن چنانی شده است . در صورتی که "تمام" اموال او ، دو سه تکه وسایل خانه کار کرده و استفاده شده بود) 13- مراسم اجرای حکم اعدام عاطفه زیاد طول نکشید (وارونه جلوه دادن واقعیت که جسد بی جان عاطفه به مدت 45 دقیقه بردار بود) .

شایان ذکر است ، آقای " محمد جوانیان " که به عنوان خبرنگار روزنامه ایران در ساری ، مبادرت به انتشار گزارش مزبور نمود ، به پاس پادویی اش برای حکومت ، بعدها ، به عنوان " مسئول کمیته خبری دفتر نماینده ولی فقیه در استان مازندران " تعیین شد . او همچنین ، عضو " شورای نظارت [سانسور] بر نمایش " اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران و عضو کمیته موسس " انجمن نمایش سازمان بسیج هنرمندان استان مازندران " نیز می باشد .

قطعاتی نیز در مورد مرگ عاطفه نوشته و سروده شد . یکی از آن ها نوشته ای به زبان تبریزی (مازندرانی) از " بمون پتوری " (ح . ص) است . برگردان این نوشته به پارسی چنین است :

بریده بریده از دادنامه عاطفه

آی . . . مردم دنیا بدانید

همچنان می کشند
می گویند سنگسار نمی کنند؟!
بنگرید ...
تندیس نیست
عروسک هم نیست ، آدمیزاد است !
بر سیاه بخت ، سیاه پوشاندند
45 دقیقه دختر مردم را آن گونه داشتند
آن چه از عدل اسلامی می گفتند ، همین بود و هست؟!
فرو افتند...
سرنگون شوند؟
آری ، آری ، آری ، آری
به هر واژه ای که مردم به زبان آرند : آری ، آمین ، ...
بیش باد

دیدید؟
دلستان لرزید ؟
کدام چشمه اشت که نچکد؟!
دین پروران ، مدرن شدند
از چرثقیل ، دار می سازند
جان دختر و پسر را هم می گیرند .
از 15-8-2004 / 25-5-1383 تاکنون
در نکا و بیرون ، همه بسیار است ...
این قدر هوش بود که فریاد برآورد
به اندازه خویش ، حرف همسالانش را گفت
گریبان کلان تران را گرفت
نداری ، ناچاری و تن فروشی را پنهان نداشت .
تن کبودش را نشان داد.
کشورداران را نفرین نمود.
به خواستشان تن نداد و گرنه چه کسی می گوید سزاوار مرگ بود؟!
عاطفه رجبی نمی میرد

نامه و سرنوشت تلخش را در کارنامه جمهوری اسلامی نوشته اند! 52

قطعه شعری نیز در این جا آورده می شود که " آن ها اجازه دارند" سروده خانم " زری اصفهانی " می باشد :

" آن ها اجازه دارند"

آن ها اجازه دارند
وقتی که کودکان خردسال را
اعدام می کنند !
هر بار قبل از اعدام
اندام های ترد و نازک شان را
در زیر ضربه های وحشی شلاق له کنند

آن ها اجازه دارند
وقتی که قاضی جنون زده ای
دختر جوانی را
تنها به جرم سخن گفتن
با دست های خود
بردار می کشد
ومی گوید
باید که کشته شود
زیرا که حق اعتراض ندارد!

آن ها اجازه دارند
هرکس که در برابر شان ایستاده را
بردارها کشند و طعمه اعدام ها کنند!

آن ها اجازه دارند
حتی لباس مردم ما را هم
خود انتخاب کنند
و دختران کوچک را
در
بازارها بفروشند

آن ها اجازه دارند
تاکاخ داشته باشند

وسفره های رنگین
وقتی که کودکان ما
حیران میان کوچه ها و خیابان ها
یک سرپناه نیز ندارند

آن ها اجازه دارند
تا درسیاهچال ها
زندانیان دست بسته معصوم را
صدها ، هزار ها به جوخه های مرگ سپارند

اما اجازه ما چیست ؟
خاموشی و سکوت ؟
دیدن و بگذشتن ؟
یا بر مزار شهیدان گریستن ؟

فریاد می ززم :
" هان ای تمام مردم دنیا
سهم من از تمام قوانین تان
وز آن کتاب های کهنه تاریخ تان
چه بود ؟
سهم من از حقوق بشر چیست ؟

.... " 53

در فروردین سال 1386 ، ترجمه پارسی کتابی به نام "اغوا" از "ژان بودریار" در پاریس منتشر شد. "امین قضایی" که کتاب را از زبان اصلی برگردانده بود ، در دیباچه کتاب نوشت : " 15 اوت ، 25 مرداد ماه سال 1383 ، جمهوری اسلامی عطفه رجبی ، دختری 16 ساله را به جرم اغوا اعدام کرد. این کتاب به او تقدیم می شود." 54

سرانجام پرونده عطفه : قاضی رضایی و افسران و سایر متخلفان و متجاوزان توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و بازجویی شدند و به تجاوز و شکنجه عطفه اعتراف کردند . قاضی رضایی گفت که برای جلوگیری از افشای نام خود و همدستانش در جرایمی که نسبت به عطفه مرتکب شده بودند حکم اعدام وی را صادر و اجرا نمود. 55 البته اقدام مزبور حالت نمایشی داشت و بنا به آن چه در رسانه ها منتشر شد ، مدتی بعد از

دستگیری افراد مزبور ، به جز 2 نفر ، بقیه آنان آزاد شدند . 56 متأسفانه از یک مقطع زمانی ، دیگر خبری از موضوع عاطفه در رسانه ها نیست . و مشخص نیست چرا در مورد این پرونده خانواده عاطفه و وکیل مربوطه سکوت اختیار کردند . معلوم نگردید که بر جسد ربوده شده عاطفه چه رفت و این عمل چه هدفی را تعقیب می کرد . آیا شایعه انجام آن توسط نیروهای اطلاعاتی با هدف آتو گرفتن از دادگستری و نیروی انتظامی واقعیت داشت و یا اقدام پیشگیرانه رژیم در جلوگیری از برملا شدن آزار و شکنجه عاطفه (با احتمال بررسی جسد) بود ؟ آیا شایعه پرداخت دیه به مبلغ 10 میلیون تومان توسط دولت به پدر عاطفه که در رسانه ها منتشر شد 21 ، صورت واقعیت به خود گرفت یا خیر . انتظار می رفت کسانی که در پرونده عاطفه دخیل بودند ، در پی خروج از کشور ، برخی ابهامات از جمله سرانجام پرونده را برای سایرین روشن سازند .

نکاتی در خصوص سن قانونی (سن مسئولیت) : اگر چه در " قرآن " آمده که

"... و ما در قرآن هیچ چیزی را از قلم نیانداخته ایم ... " 57 اما در کتاب مزبور هیچ مطلب و اشاره ای در خصوص سن مسئولیت و سن بلوغ وجود ندارد . آن چه در مورد حدود مسئولیت کیفری کودکان در قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1370 لحاظ شد ، از یک نظر فقهی مشهور به فقهای امامیه نشأت گرفته است . که سن مسئولیت کیفری را برای پسران 15 سال کامل و برای دختران 9 سال کامل می دانند . عمده ترین دلیل مشهور در سن مسئولیت کیفری ، یک "روایت " (!!!) است . روایت " حمزه بن عمران " که چنین می گوید : " از امام محمد باقر پرسیدم : چه موقع بر پسر همه حدود الهی واجب می گردد و به سود و زیان او حکم شده ، مواخذه می شود؟ امام فرمود : وقتی که از یتیمی و کودکی خارج شده ، صاحب ادراک و شعور شود . گفتم : آیا برای آن حدی هست که با آن شناخته شود ؟ امام فرمود : وقتی که محتلم شود و به سن پانزده سالگی برسد یا شعور پیدا کند یا موی بر زهار آن برآید ، حدود الهی بر او اقامه و جاری می شود و به سود و زیانش حکم می شود . گفتم چه موقع همه حدود الهی بر دختر واجب می شود و پاداش و کیفر می بیند ؟ امام فرمود : دختر مانند پسر نیست ، زیرا دختر وقتی که شوهر کند و دخول با او صورت گیرد و نه سال داشته باشد ، یتیمی او از بین می رود ... و حدود به طور کامل به نفع و ضرر او جاری می شود... " 58

همان طور که ملاحظه می شود ، به موضوعی بسیار مهم انسانی ، با افکاری حیوانی متأثر از اذهانی بسته و محدود به اقلیم ، سنن و زمانی خاص نگریسته شده است . و بر پایه چنین خزعبلاتی ، مثنی تبهکار قوانینی وضع کرده اند که حقوق بدیهی انسان ها در آن نادیده گرفته شده است . در این خصوص ، آقای " عبدالرضا اصغری " در نوشته ای تحت عنوان "

سن مسئولیت کیفری در اسلام " - که بخشی از آن در بند پیشین نقل شد - نکته جالبی می نویسد: " ... در سنت ، معیار بلوغ ، احتلام و حیض است" 58

حقوق کودکان در ایران توسط حکومت به رسمیت شناخته نمی شود. خانم " مریم زهدی " می گوید : " ایران در سال 1994 [1373] به جمع امضاء کنندگان کنوانسیون حقوق کودک پیوست ، اما برخی قوانین موجود هنوز با این کنوانسیون مغایرت دارد و دست اندرکاران برای رسیدگی به موارد نقض حقوق کودکان اقدامی صورت نداده اند." 48 خانم " نسرين ستوده " وکیل و حقوق دان نیز در گفتگو با رادیو " دویچه وله " (در سال 2009) گفت : بسیاری از اصول کنوانسیون حقوق کودک در ایران رعایت نمی شود . به عقیده او مهمترین این اصول ، کودک دانستن تمامی افراد زیر 18 سال است . او در پاسخ به سوال " اگر قرار باشد قوانینی از قوانین ایران در مورد کودکان تغییر کند ، شما اولویت را با کدام قانون می گذارید؟ " پاسخ می دهد: " اولین قانونی که باید در مورد کودکان اصلاح شود ، قانون مربوط به سن مسئولیت کیفری کودکان است که متأسفانه آن ها را در معرض مجازات های سنگین از جمله اعدام قرار می دهد . کودک باید در قانون ایران به موجب کنوانسیون بین المللی تعریف شود. افراد تا هجده سالگی کودک هستند و نباید دختران از 9 سالگی و پسران از 15 سالگی در معرض مجازات اعدام قرار گیرند." 59

در سال 2005 ، کمیته تخصصی کودکان سازمان ملل متحد جلسه ای با حضور نمایندگان آن سازمان و مقامات ایرانی در مور اجرای تعهدات ایران در قبال کنوانسیون رعایت حقوق خردسالان برگزار کرد . خانم " الهه هیکس " که در جلسه یاد شده حضور داشت ، گفت : " در گفتگو های بین مقامات ایرانی و نمایندگان سازمان ملل متحد ، هیات ایرانی نتوانست پاسخی به درخواست مقامات کمیته مبنی بر ارایه تعریفی از کودک در قوانین ایران بدهد ... در قوانین ایران نقص حقوق کودکان نهادینه است و اگر مثلاً یک دختر 9 ساله و یک مرد 40 ساله مرتکب جرمی بشوند ، هر دو به یک صورت مجازات می شوند." 60

در همین خصوص ، خانم " نسرين ستوده " گفته است : " ... باید در بررسی جرم کودکان پیشینه و وضعیت خانوادگی آنان مد نظر قرار گیرد . رییس دادگاه اطفال سوئیس که در همایش سن مسئولیت کیفری در ایران شرکت کرده بود، عنوان داشت : " من حتم دارم که در نوجوانی جرایمی را مرتکب شده ام که اگر امروز در ایران مرتکب می شدم ، تمام عمر را در زندان می ماندم . " در ایران هر فردی در سن 18 سالگی کلیه حقوق خود را دارا می شود ولی در سنی همانند 9 سال ، فرد [ضمن این که] هیچ حق و فعالیت اجتماعی ندارد ولی تکلیف سنگین مسئولیت کیفری به دوش گذاشته می شود . " 61

قانون مجازات اسلامی در موارد متعددی و از جمله در خصوص سن قانونی دارای نقص و اشکال است. آقای " اصغری " به طور اختصار به 3 موارد از ایرادات و اشکالات مزبور اشاره کرده است: " 1- عدم تطابق سن تعیین شده با واقعیات عینی و اجتماعی، خصوصاً در دختران که معیار آن، توانایی انجام نکاح است. 2- عدم تمایز بین کودکان غیرممیز و ممیز از نظر مسئولیت. 3- عدم توجه به رشد کیفری در مسئولیت کیفری کودکان. " 58

دکتر " علی مظاهری " رییس پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی نیز در موضوع سن قانونی در لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان گفته بود: " محدودیت هایی از قبیل تناقض و ابهام در تعریف طفل و نوجوان، عدم برخورد تخصصی با موضوع مشاوران دادگاه های اطفال و نوجوانان (در ماده 7) و تکرار این مسئله در موضوع تشخیص کمال رشد و عقل (در تبصره ماده ی 25 این لایحه) وجود دارد ... در ماده ی اول این لایحه 18 سال به عنوان سن قانونی تعیین شده و در ماده ی دوم طفل را در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری دانسته اما در تبصره این ماده طفل را فردی که به حد بلوغ شرعی نرسیده تعریف کرده است " 62

وضعیت عاطفه از نظر سلامت روان : عاطفه به دارا بودن اختلال روانی شهرت داشت. حتی در قانون مجازات اسلامی، در خصوص حد زنا (ماده 64) آمده است: " زنا در صورتی موجب حد می شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد. " 63 شرایطی که در مورد عاطفه صدق نمی کرد. آقای " اردوان عزیزی حبیب آباد " در خصوص محاکمه متهمین دچار اختلالات و بیماری های روانی نوشته است: " ... عقل حکم می کند در مواجهه با افرادی که به طور اساسی دارای ناهنجاری روانی با منشاء ذهنی هستند و قدرت تصمیم گیری صحیح را ندارند، به این اختلالات توجه شده و چنین نکاتی در تصمیم گیری قضایی دخالت داده شود. در کشورهایی که قواعد حقوقی آنان منشاء بشری و طبیعی دارد، کشف نواقص و اجمال قوانین و نقاط ضعف و رفع موارد نقص آسان تر است؛ اما در مقابل، ایجاد تغییر در قوانین کشورهایی که منشاء فوق بشری و مذهبی دارند، مشکل بوده و تا زمان اجتهاد مناسب در خصوص آن، به اطاله می انجامد. اختلالات و بیماری های روانی، عنصر معنوی جرم را هدف قرار می دهند و باعث می شوند در میان عناصر سه گانه جرم (مادی، معنوی و قانونی)، عنصر معنوی هدف قرار گرفته و در وجود یا تاثیر بخشی این عنصر در تحقق جرم، اختلال ایجاد شود. " 64

باری، جمهوری اسلامی، عاطفه نوجوان و بیمار را همچون بسیاری دیگر از فرزندان این آب و خاک به دار آویخت. صد افسوس بر او و هر آن که قربانی حکومت اسلامی شد و می شود. عاطفه نیز حق زندگی داشت و حتی با شبه قوانین دست و پا شکسته اسلامی دنیای قدیم

نیز ، سزاوار سرنوشتی که بر او رفت ، نبود . مرگ عاطفه افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داد و ضمن آن که توجهات را به یکی از بی شمار جنایات حکومت - که در آن زمان برای گریز از سقوط خود را در ردای اصلاح طلبی پیچیده بود - جلب نمود ، موضوع اعدام کودکان و نوجوانان در ایران را نیز در مجامع مختلف در سطح بین المللی مطرح کرد .

متأسفانه اعدام در ایران همچنان ادامه دارد . زندانیان سیاسی ، کودکان و نوجوانان ، زنان ، اقلیت های دینی و قومی ؛ از جمله اعدام شدگان توسط جمهوری اسلامی هستند . " فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر " در اردیبهشت 1388 ، یک گزارش جامع 60 صفحه ای در باره مجازات اعدام در جمهوری اسلامی در ایران منتشر کرد . بنا به این گزارش ، بیش از 20 عنوان کیفری در جمهوری اسلامی وجود دارد که مجازات آن ها اعدام است . و برخی از این عناوین دارای چندین عنوان فرعی هستند . اغلب این " جرایم " قطعاً جزو "مهم ترین جنایات ها " به شمار نمی آیند . بعضی دیگر اصلاً نباید " جرم " محسوب شوند . متأسفانه جمهوری اسلامی ایران به ناهماهنگی با روند رو به رشد الغای مجازات اعدام در جهان ادامه داده است . در حالی که در سال 2008 (دی 1386 - دی 1387) ، 346 نفر در جمهوری اسلامی اعدام شدند ، این تعداد در سال 2009 (دی 1387 - دی 1388) به 388 نفر افزایش پیدا کرد . جمهوری اسلامی با اعدام حداقل پنج مجرم نوجوان در همان سال به مقام اول جهان رسید . 65 البته آمار اعدام های پنهانی از جمله در زندانها را نیز باید در نظر داشت . با سقوط جمهوری اسلامی ، شاید تعداد واقعی اعدام شدگان آشکار شود .

خانم " آسیه امینی " که در پی اعدام عاطفه ، برای پی گیری موضوع به شهر نکا می رود ، در خیابانی ، از مردی نشانی خانه عاطفه را جویا می شود . آن مرد بالحنی سرزنش بار می گوید : چرا مرگ دختری فاسد او را تابه آن جا کشانده است . آسیه امینی اما در پاسخ ، جمله ای دردناک و ماندگار می گوید: " ... من آمده ام تا بدانم آیا مجازات این جرم ، " مرگ " بود....16

منابع

1- اعزازی ، شهلا : " خشونت خانوادگی (زنان کتک خورده) . تهران : نشر سالی ، 1380.

2- WWW.mehrangizkar.com/archives/000117.php

3- سایت روان شناسی مثبت نگر

www.rashinataey.blogfa.com/post-190.aspx

4- www.badernews.persianblog.ir/post/3730

- 5- چراغی ، اسماعیل : "فقرونابه هنجاری های اجتماعی " - سایت حوزه
www.hawzah.net/hawzah/magazines/magArt.aspx?magazinNumberId=395&id=22095
- 6- خبرگزاری فردا نیوز: "پنهان کاری وگسترش معضل زنان روسپی " -
 1388/12/10
www.fardanews.com/fa/pages/?cid=104548
- 7- آذر ، شکوفه : "سیاست های ضد ونقیض درباره زنان خیابانی " . روزنامه
 سرمایه www.sarmayeh.net/shownews.php?58446
- 8- عزیزی شماری ، مصطفی : "مسائل آموزش وپرورش ایران "
www.Umztarbiat.ir/post-35.aspx
- 9- طباطبایی ، فهیمه سادات : "معاونت پرورشی احیا نشده به اغما رفت "
 1388/12/7 www.edunews.ir/?view&sid=24161
- 10- فردا نیوز: "20 میلیون ایرانی درگیر اختلالات روانی هستند" -
 1388/10/12 www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99500
- 11- خبرآنلاین - جامعه - سلامت : "تنها 10 درصد بیماران روانی برای درمان
 مراجعه می کنند" - 1389/1/29 www.khabaronline.ir/news-62795.aspx
- 12- خبرگزاری جمهوری اسلامی : "بیماری های روانی جزو ده علت اول مرگ در
 ایران است" . - 1388/9/4 www.irna.ir/view/fullstory/tools/?newsid=809444
- 13- سایت خبر آنلاین - جامعه - آسیب ها - مرور اخبار اجتماعی : "بیش از 100
 هزار بیمار روانی هنوز شناسایی نشده اند" - 1387/11/1 www.khabaronline.ir/news-2504.aspx
- 14- روزنامه مردم سالاری : "افزایش تعداد بیماران روانی در ایران " . شمار
 2192 (1388/7/19)
- 15- www.forum.iranproud.com:81/drdsd-jm-yt-ayran-bh-bymary-roany-t83324
- 16- امینی ، آسیه : "عاطفه فقط 16 سال داشت " - سایت زنان
www.zana.co.ir/social/000405.html
- 17- www.peykeiran.com/net_iran/irnewsbody.aspx?id=17882
- 18- www.peykeiran.com/net/iran/irnewsbody.aspx?id=18212
- 19- www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20040930014244.htm
- 20- امینی ، آسیه : "عاطفه 16 ساله اعدام شد " - سایت زنان ایران
www.womeniran.org/archives/fsr/001053.php

- www.peykeiran.com/net/iran/irnewsbody.aspx?id=18044 -21
- www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/036/2004 -22
- www.diilemaj.blogspot.com/2004/09/blog-post.html -23
- www.web.e-ariana/ariana.nsf/7eca40d3d348841987256b79007d1cb8/7415149f4b29b8b287 -24
- 25- سایت همبستگی ملی: " رسانه های نروژ : حکومت ایران برای ایجاد وحشت دست به اعدام کودکان میان زمینی زد " - 2004/8/29
www.hambastegimeli.com -26
- www.radiofarda.com/iran_article/2004/8/d01a2469_9a9e_4095_8158_503c9df38a6d.html
- 27- ارزانی ، زهرا : " تخلف بی چون وچرای دادگاه شهرستان نکا در صدور و اجرای حکم اعدام عاطفه رجبی " (مصاحبه باراديو دويچه وله) - 2004/8/25
- www.voanews.com/persian/archive/2004-09/a-2004-09-07-32-1.cfm-28
- www.bbc.co.Uk/persian/iran/story/2004/12/041214_aa_leylam.shtml29
- 30
- 1-www.youtube.com/watch?v=5jpQvqsow4U&feature=channel
 - 2-www.youtube.com/watch?v=gtFRTAlaVFQ&feature=channel
 - 3-www.youtube.com/watch?v=UyMNisnlz_w&feature=channel
 - 4- www.youtube.com/wach?v=rojozr2LlLo&feature.channel
 - 5- www.youtube.com/watch?v=_pyJHunirio&feature=channel
 - 6- www.youtube.com/watch?v=6J2jqkINNxo&feature=channel
- www.guardian.co.Uk/media/2006/jul/27/iran.broadcasting -31
- www.news.bbc.co.Uk/2/hi/5217424.stm -32
- www.WDR.de/tv/diistory/070226.phtml -33
- www.heirbound.blogfa.com/cat-67.aspx -34
- 35- نشریه مجاهد: " حکومت ترور و اعدام " عاطفه " - شماره 682 (1383/6/3)

36- سایت سرفرازان - پیام ها : " پیام رییس جمهور برگزیده مقاومت در باره اعدام وحشیانه عاطفه : این جنایت ها خشم مردم را بیشتر و مقاومت را فروزانتر می کند " -

www.sarfarazan.com 2004

37- نشریه حقیقت : " زیرچهره زیبای عاطفه بنویسید : این است سند جنایت جمهوری اسلامی ! " - شماره 18 (آبان 1383)

www.sarbedaran.org/archives/etelaiye/atefeh18ff.htm

38- سایت اخبار روز : " اعتراض به سرکوب حقوق بشر در ایران "

www.akhbare-rooz (iranian political Bulletin)

www.iran-chabar.de/Archive/zanan.htm -39

www.zanan.iran-emrooz.de/more.php?id=p7398-0-23-0 -40

www.asre-nou.net/1383/shahrivar/5/m-bayanie.html -41

42- کار، مهرانگیز: " گردنبندهای مقدس " . استهکلم : نشر باران ، 2002.

43- شریفی، سهیلا: " آنقه رجبی را نباید فراموش کرد " - سایت روزنه

www.rowzane.com/000-magalat/2408/40821sohaila.html

44 - رادیو فردا: " پارلمان اروپا نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد " - 1383/8/8

www.radiofarda.com (29 اکتبر 2004)

45 - خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)- سرویس فقه و حقوق- حقوق سیاسی: " شیرین

عبادی : در صدور حکم اعدام برای افراد زیر 18 سال به قوه قضاییه اعتراضی وارد

نیست...مشکل در قوانین است " - 1383/6/13

www.isna.ir/ISNA/Newsview.aspx?ID=News-426466

46- سایت اداره کل دادگستری استان چهارمحال و بختیاری : " وظایف و مسئولیت های قوه

قضاییه " www.dadgostary-chb.ir/tabid/66/Default.aspx

47- سایت قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران - لوایح ارسالی به مجلس : " لایحه رسیدگی

بـه جـرائم اطفـال و نوجوانان "

www.dadiran.ir/portals/o/Residegijarayemeatfal.pdf

48- زهدی، مریم : " طرح های حمایت از کودکان ، همچنان پشت درهای مجلس ایران " -

بی بی سی www.bbc.co.Uk/persian/iran/story/2005/02/050205-la-mz-

childrights.shtml .

49- صدر، شادی : " ملاحظاتی درباره یک حکم " . روزنامه شرق . سال دوم ، شماره

273(1383/6/3).

- 50- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)- سرویس فقه و حقوق - حقوق اجتماعی -
www.isna.ir/ISNA/Newsview.aspx?ID=News-429133 1383/6/20
- 51- جونیان ، محمد : " جزیئات اعدام دختر 22 ساله در نکا " - روزنامه ایران - سال دهم
 - شماره 2897 (1383/6/8)
- 52- www.tabarestan.info/neveshteh/3BT_Atefe2004.pdf
- 53- www.iranianartistsinexile.org/atefe/atefeindex.htm
- 54- بودریار، ژان: " اغوا ". ترجمه امین قضایی . پاریس : نشر شعر پاریس ، فروردین
 1386
- 55- www.roshangari.com/as/ds.cgi?art=20041002153408.html
- 56- www.peykeiran.com/net/iran/irnewsbody.aspx?id=19085-56
- 57- قرآن : سوره انعام ، آیه 38
- 58- اصغری ، عبدالرضا : " سن مسئولیت کیفری در اسلام " - سایت وکالت (به نقل از
 سایت حوزه) www.vekalat.org/public.php?cat=2&newsnum=405685
- 59- شجاعی ، میترا : " اولین قانونی که باید اصلاح شود، سن مسولیت کیفری است " (گفتگو
 با نسرین ستوده)- رادیو دویچه وله - 2009/11/19
www.dw-wold.de/dw/article/0,,4909057,00.html
- 60- ابراهیمی ، مهرنوش : " توضیحات ایران در کمیته تخصصی کودکان سازمان ملل"
 (گفتگو با الهه هیکس)- بی بی سی
www.bbc.co.UK/persian/iran/story/2005/01/050121_v-iran-Un-children-hix.shtml
- 61- ریحانی ، ندا: " گفتگو با کارشناسان درباره نحوه مجازات نوجوانان بزهکار دپی
 بازتاب اخبار مربوط به صدور حکم اعدام واحکام قضایی سخت در مورد نوجوانان " -
 خبرنامه گویا - جمعه 1383/7/3 (به نقل از خبرگزاری سینا)
- 62- روزنامه مردم سالاری : " درباره سن قانونی دچار چندگانگی شده ایم " - شماره
 1775 (1387/1/28). صفحه حقوق
- 63- سایت قوانین: " قانون مجازات اسلامی "
www.ghavanin.ir/detail.aspx?id=1232
- 64- عزیزی حبیب آباد ، اردوان : " قتل و ناهنجاری های روانی " (بخش نخست) - نشریه
 ماوی
www.maavanews.ir/tabid/36/ctl/Edit/mid/374/code/8858/default.aspx
www.fidh.org/7670 - 65